

گرایش به نظامی‌گری در راهبردهای امنیتی عربستان در خلیج فارس، دلایل و پیامدها (با تأکید بر خریدهای نظامی از آمریکا در راستای سند امنیتی ترامپ و اواما)

جواد قزلباش^۱
مهناز گودرزی^۲
حسین مسعودنیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰

چکیده

درحالی‌که خلیج فارس به‌عنوان مهم‌ترین منطقه راهبردی و امنیتی عربستان شناخته می‌شود، به دلیل ضعف در قدرت نظامی و تسلیحاتی، این کشور همواره در قالب ساختارهای امنیتی فرامنطقه‌ای در این منطقه تحت عناوین تئوری نیکسون، مهار دوجانبه، اعطای پایگاه‌های مستقیم و غیرمستقیم نظامی به دول غربی و... ایفای نقش نموده است. بعد از حادثه یازده سپتامبر و بروز مشکلات و شواهدی دال بر بی‌اعتمادی آمریکا نسبت به عربستان و ازطرفی کاهش محسوس حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس به علت آثار تبعی بحران مالی در غرب، عربستان با چرخش در راهبردهای امنیتی از اتکالی به غرب، به نظامی‌گری در قالب استراتژی‌های گسترش کمی و کیفی نیروهای نظامی، از جمله افزایش خریدهای نظامی روی آورد. نتیجه این راهبرد عربستان ایجاد و گسترش رقابت تسلیحاتی و امنیتی تر شدن روابط آن کشور به‌ویژه با ایران بوده است. سؤال اصلی تحقیق این است که علل و پیامدهای گرایش عربستان به راهبرد نظامی‌گری و رقابت تسلیحاتی در خلیج فارس به‌ویژه در دوران اواما و ترامپ چیست؟ برای پاسخ به این سؤال از روش توصیفی و تحلیلی برای بررسی یافته‌های پژوهش استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات، استفاده از برخی منابع کتابخانه‌ای و تحلیل متن اسناد راهبردی - امنیتی آمریکا در دوران ریاست جمهوری اواما و ترامپ است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هدف اصلی این راهبرد سعودی‌ها، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران و افزایش قدرت رقابت منطقه‌ای عربستان با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

کلید واژگان: عربستان، ایران، رقابت تسلیحاتی، معمای امنیتی، خلیج فارس.

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۲ عضو هیئت‌علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده

مسئول) m.goodarzi@khuif.ac.ir

^۳ عضو هیئت‌علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

عربستان به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ منطقه خلیج فارس، سالیان دراز تنها با منابع نفتی در سطح جهان شناخته می‌شد. بعد از وقوع انقلاب اسلامی و با خروج ایران از ساختار امنیت نیکسونی و از سوی ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران، عربستان با رقیب قدرتمندی مواجه شده است. آنچه قابل بررسی می‌باشد، این است که علی‌رغم اینکه عربستان داعیه رهبری جهان اسلام را دارد، به علت فقدان و یا ناکارآمدی قدرت نظامی خود، همواره امنیت را در همراهی امنیتی با آمریکا دنبال کرده است. در این رهگذر، شورایی مانند شورای همکاری خلیج فارس نیز به‌عنوان ساختار امنیتی عربی بدون حمایت آمریکا، به دلایل متعدد از جمله ساختار ناتوان نیروی انسانی، ناکارآمدی تجهیزات، نابرابری قدرت اقتصادی، نظامی، نیروی انسانی و... اعراب در برابر ایران، نتوانسته کارآمدی لازم را داشته باشد. بعد از حادثه یازده سپتامبر و حضور اتباع عربستان در بین عاملان این حمله، غرب به‌نوعی با فشار به عربستان و از سوی به علت مشکلات ناشی از بحران مالی، دیگر نمی‌توانست در منطقه همانند گذشته حضور گسترده‌ای داشته باشد.

از طرف دیگر، وضعیت عربستان و سایر اعراب از نظر نظامی و نیروی انسانی، تفاوت زیادی با قبل نداشت. این کشورها برای تأمین امنیت و مقابله با تهدیدات خارجی، نیازمند آمریکا بودند و محیط امنیتی عربستان بنا به تعریف بوزان که امنیت ملی اعراب و عربستان را غیرقابل انفکاک می‌داند (بوزان، ۱۳۸۸: ۴۵)، در این زمینه مسائل امنیتی و غیرامنیتی آن قدر درهم تنیده شده بودند که قابل تفکیک از هم نیستند و در این فضای امنیتی، خروج آمریکا و یا کاهش حضور امنیتی این کشور برای عربستان موجب ایجاد معمای امنیت - قدرت شد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). از سوی دیگر، حضور نظامی آمریکا بعد از سال ۲۰۰۳ و اشغال عراق، برخلاف پیش‌بینی‌های آن زمان، نه تنها به نفع اعراب و عربستان نبود بلکه موجب شکل‌گیری دولت شیعی در عراق و عملاً تقویت موضع و قدرت گرفتن ایران در منطقه شد. در ادامه با توجه به سیاست دولت اوباما در طرح این مسئله که دیگر آمریکا نمی‌تواند امنیت رایگان برای اعراب تأمین کند و زمان خدمات رایگان به اتمام رسیده است، سیاست گرایش به شرق و کاهش حضور در منطقه خلیج فارس را اعلام نمود. در این زمان، با مذاکراتی که با ایران در قالب طرح برجام انجام شد، مناقشه هسته‌ای ایران منجر به

برقراری پیمان برجام بین این کشور و کشورهای «۵+۱» شد و تمام این موارد موجب تشدید نگرانی عربستان از آینده امنیت خود گردید. نتیجه تمام این ناکامی‌ها باعث گرایش عربستان به تغییر رویکرد راهبردهای امنیتی به سمت نظامی‌گری شد. با بررسی مقالات و کتب موجود مانند جهان‌آراء (۱۳۹۷) و منوری و همکاران در (۱۳۹۷) و مقالات کنفرانس امنیتی غرب آسیا ملاحظه می‌شود که بیشتر این مقالات حاوی بررسی راهبردها و اقدامات نظامی عربستان و آمریکا در خلیج فارس است ولی در این مقاله علل گرایش عربستان به نظامی‌گری و نتایج آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنابراین، عربستان با تغییر در راهبردهای امنیتی خود که تاکنون براساس ائتلاف با غرب و به‌ویژه آمریکا بوده است، به‌سوی افزایش خریدهای نظامی و رقابت تسلیحاتی و افزایش کمی و کیفی نیروهای مسلح خود گرایش پیدا کرد. برخی از این راهبردها و نتایج آن قابل‌بازبایی در اسناد راهبردی آمریکا و ناشی از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا است. از این‌رو، در این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که علل و پیامدهای این تغییر سیاست عربستان به سمت نظامی‌گری چه بوده است؟ و پیامدهای آن چیست؟

مبانی نظری تحقیق

مفهوم شناسی

تنگنای امنیتی

گروه‌ها یا افراد و کشورها در برابر تهاجم و تسلط کشورهای دیگر، نگران امنیت خود هستند، لذا به‌محض احساس ناامنی برای تأمین امنیت خود در برابر حملات دیگران، تلاش می‌کنند تا در برابر این حملات به قدرت خود اضافه نمایند. این امر به‌نوبه خود پس از افزایش قدرت یک کشور، برای گروه یا کشور و فرد مقابل نیز به‌وجود می‌آید و احساس ناامنی می‌کند و این ناامنی به‌صورت مارپیچ ادامه پیدا می‌کند (اسمیت، ۲۰۰۱: ۶۵). بنابراین، شناخت دقیق معما اهمیت

دارد و لذا جرویس^۱ می‌گوید: «تنگنای امنیتی موجب منازعه و نهایتاً موجب جنگ می‌شود و اگر دو طرف منازعه، پیروزی خود را در ضربهٔ مهلک اول بدانند، این منازعه شدیدتر می‌شود» (Jervis, ۱۹۷۸: ۵۱). ولفرز می‌گوید: «باید با متقاعد کردن افراد و کشورهایی که دچار معمای امنیتی شده‌اند، جهت رفع احساس تهدید و اینکه قدرت‌یابی دیگران برای تهدید امنیت آنها نیست، تنگنای امنیتی را کنترل کرد» (Harrison, ۲۰۱۵: ۹۱).

امنیت

بوزان به نقل از ایان بلانی^۲ تعریف ذیل را از امنیت ارائه کرده است: «امنیت؛ یعنی رهایی نسبی از جنگ». دومینیک داوید نیز یک تعریف از امنیت ارائه کرده است که به عقیدهٔ وی عبارت است از: «ایجاد فضایی که در آن فرد یا جمعی، خودشان را در وضعیت آسیب‌پذیر احساس نمی‌کنند و تهدیدی متوجه آنها نیست و فقط ابزار رفع تهدید در اختیار آنها قرار می‌گیرد. چنین فضای امنی را می‌توان به کمک سیاست‌های دفاعی و دفاع نظامی ایجاد و یا تقویت کرد» (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۶).

خلیج فارس

خلیج فارس آبراه استراتژیکی است که حجم بالایی از منازعات را به خود دیده است. اختلافات قومی - مذهبی و تاریخی، در کنار درگیری‌های مرزی و سوءتفاهم‌های سیاسی از جمله عوامل واگرایی در این منطقه بوده است. از طرف دیگر، موقعیت راهبردی این منطقه سبب شده تا توجه دولت‌های استعماری به این منطقه جلب شود که عمده‌ترین دلیل ناامنی و بی‌ثباتی در خلیج فارس بشمار می‌رود. جایگاه انرژی خلیج فارس نیز موقعیت ممتازی به آن می‌بخشد که در مجموع شامل ۵۹/۱ درصد از کل ذخایر ثابت‌شدهٔ نفت و ۴۰ درصد از کل ذخایر ثابت‌شدهٔ گاز است. خلیج فارس همچنین به شکل تقریبی ۴۱ درصد از مصارف نفتی جهان را تأمین می‌کند و روزانه نیمی از این نفت مصرفی از تنگهٔ راهبردی هرمز عبور می‌کند (پورسعید، ۱۳۹۵: ۲۶). از این -

^۱Robert Jervis

^۲Ian Bellany

رو، خلیج فارس منزلت ژئوپلیتیک بالایی کسب می‌نماید که در موازنه قدرت جهانی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. درست به همین دلیل، انگلستان و سپس ایالات متحده آمریکا به این منطقه توجه خاصی داشته و دخالت این بازیگران فرامنطقه‌ای باعث گسترش مناقشات امنیتی در خلیج فارس شده است. از نظر تاریخی، در قرون گذشته امنیت منطقه به عهده انگلیس بوده و بعد از خروج آنها، به سبب اهمیت نفت و منافع غربی‌ها و از طرفی مقابله با دشمن ایدئولوژیک غربی‌ها؛ یعنی شوروی کمونیستی، این امنیت به آمریکا سپرده شد.

چارچوب تحلیلی تحقیق

برای بررسی مسابقه تسلیحاتی، آنچه در وهله نخست قابل اشاره می‌نماید، آن است که این مهم در دل نظریات واقع‌گرایی و تا حدودی نئواقوع‌گرایی روابط بین‌الملل قرار می‌گیرد. رهیافت واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، با مفروض قرار دادن اصولی همچون دولت‌محوری، حاکمیت‌محوری، قدرت‌محوری، اصل آنارشی، امنیت‌محوری و اصل خودیاری و همچنین موازنه قوا چنین مطرح می‌کند که هر واحد، مسئول حفظ امنیت، حاکمیت و استقلال خویش در نظام آنارشیک بین‌المللی است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). به عبارتی؛ در این شرایط آنارشیک، هدف نهایی امنیت و حفظ بقا است. اگر بقا تضمین شود، دولت‌ها می‌توانند اهداف دیگر از قبیل رفاه، سود، قدرت و... را دنبال نمایند. از این رو، نگرانی اولیه و اساسی دولت‌ها، حفظ بقای خود در نظام بین‌الملل است. موضوع معمای امنیت و بقا، وضعیتی است که در آن دولت‌ها به نیت یکدیگر اطمینان و اعتماد ندارند. این رویکرد، تأمین امنیت دولت‌ها را در کسب و ارتقای قدرت نظامی و تسلیحاتی مطرح می‌کند. در واقع، وضعیتی که به منظور ایجاد موازنه قوا و تهدید در محیط آنارشی نظام بین‌الملل مطرح می‌شود، به دو صورت تدافعی و تهاجمی بروز می‌نماید. در هر دو رویکرد، ساخت سلاح و مجهز شدن واحدها به تسلیحات و تجهیزات نظامی به‌عنوان راه‌حل اصلی مطرح است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۵۰). بنابراین، واحدها برای کسب امنیت بیشتر، اقدام به مسلح شدن می‌کنند. در این شرایط، احساس امنیت کمتر، مساوی است با خرید تسلیحات بیشتر. بدین ترتیب، روند مسلح‌سازی رقابتی که در ادامه این روند میان کشورها ایجاد می‌شود،

بیانگر بروز مسابقهٔ تسلیحاتی است. مسابقهٔ تسلیحاتی نیز با معمّای امنیت روبه‌رو می‌گردد، بدین صورت که توسعه کمی و کیفی تسلیحات نظامی از سوی دولت‌ها، امنیت هر یک از طرف‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

درواقع، آن‌چنان که چارلز گلاسر^۱ نیز معتقد است، محیط امنیتی کشورها، ساخت و مجهز شدن به تسلیحات را ایجاب می‌کند که در نتیجهٔ آن، رقابت در زمینهٔ تسلیحات میان دو طرف به‌وجود می‌آید که اصطلاحاً مسابقهٔ تسلیحاتی خوانده می‌شود. علاوه بر آن، توجه وی بر طبق نظریهٔ انتخاب عقلایی و استراتژیک چنین است که سیاست تسلیحاتی یک کشور (یک واحد عقلانی)، علل و انگیزه‌های آن کشور در روابط خود با سایر کشورها و نیز محدودیت‌ها و فرصت‌های ایجادشده از سوی محیط امنیتی آن را منعکس می‌کند. از سوی دیگر، تردید در خصوص انگیزه‌های طرف(های) مقابل نیز باعث وارد شدن کشورها در یک مسابقه تسلیحاتی می‌گردد که کاهش امنیت واحدها، از پیامدهای اصلی آن خواهد بود (گلاسر، ۲۰۱۴: ۴۵). بدین ترتیب، چنین دریافت می‌شود که مسابقهٔ تسلیحاتی به‌عنوان فرایندی رقابتی و پویا، همراه با محدودیت منابع است که بیانگر عمل متقابل میان دو کشور یا ائتلافی از کشورها در جهت کسب تسلیحات نظامی است (صادقی و بکیانی، ۱۳۹۴: ۶۵). این موضوع به‌خوبی قابل مشاهده است که هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های نظامی، به‌طور هم‌زمان در کشورهای درگیر در این رقابت، سرعت رشد غیرعادی داشته است. از خصوصیات پایدار تمام مسابقات تسلیحاتی می‌توان به رخداد تغییرات سریع در نگرش نظامی در درون چارچوب مشخصی از اثرگذاری متقابل و شدید سیاسی و نظامی اشاره کرد. این تعامل، گاهی الگوهای متعددی را پذیرا می‌گردد و گاه از هیچ الگوی منظم و تعریف‌شده‌ای برخوردار نیست. در اینجا یکی از ملاحظات اساسی در تجهیز نیروهای مسلح یک کشور و تقویت قدرت نظامی آن، انتخاب نوع جنگ‌افزار موردنیاز آن کشور است. کشورها سعی دارند سلاحی را تهیه کنند که مزایای قابل توجهی را در مقایسه با تسلیحات مورد استفاده در کشورهای رقیب در بر داشته باشد. بدیهی است شاخص‌های علمی، فناورانه، قابلیت انعطاف، دقت، سرعت، تأمین، کارایی، پایین بودن هزینهٔ تهیه و میزان دوام و سهولت نگهداری، در تهیهٔ جنگ‌افزار مورد توجه هستند.

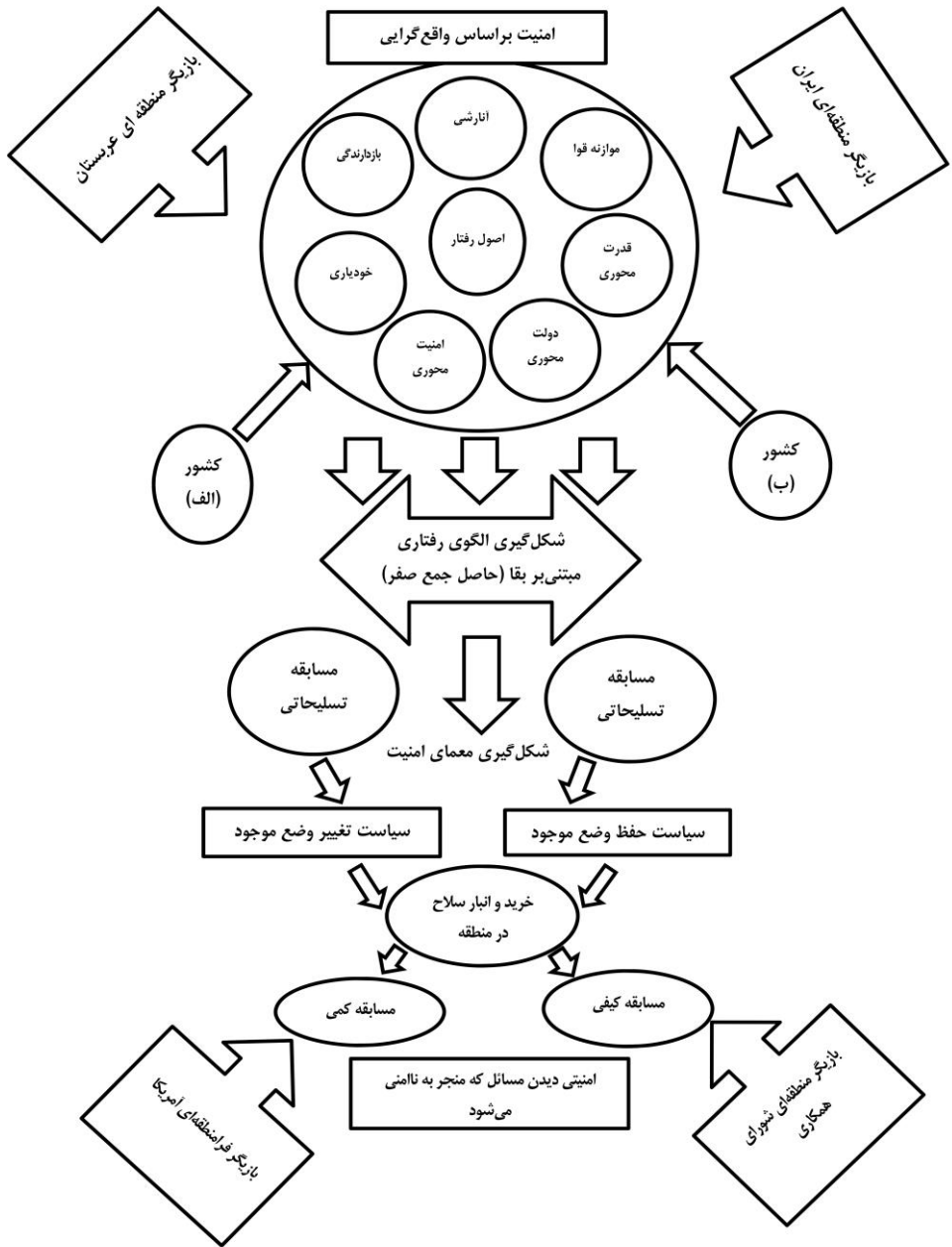
^۱Charles Gllaser

با توجه به این موضوع، دو نوع مسابقه تسلیحاتی؛ یعنی «مسابقه تسلیحاتی کمی» و «مسابقه تسلیحاتی کیفی» را می‌توان در نظر گرفت. مسابقه تسلیحاتی کمی، بیانگر رقابت طرفین در زمینه تجهیزات نظامی از نظر تعداد است، اما در مسابقه تسلیحاتی کیفی، افزایش سرعت، دقت و گستره اثرگذاری تسلیحات مدنظر است. تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای و کشتار جمعی و وسایل پرتابی حامل این سلاح‌های انهدام جمعی، مانند موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، موشک‌های نامرئی کروز، موشک‌های بالستیک زیردریایی و بمب‌افکن‌ها را می‌توان در زمره این نوع مسابقه تسلیحاتی قرار داد. از این منظر، دنبال کردن تفوق فناورانه در سیستم‌های تسلیحاتی در طول بیش از نیم‌قرن گذشته، منجر به افزایش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در امر تحقیق و توسعه نظامی شده است. تلاش‌های بسیار زیاد انجام شده در این زمینه، تا حدودی به دلیل نگرانی از تفوق فناورانه طرف(های) مقابل، برانگیخته می‌شود و نتیجه آن نیز می‌تواند بروز مسابقه تسلیحاتی کیفی باشد. از لحاظ نظری، بسیاری از محققان نقش مهمی را برای فناوری در مسابقات تسلیحاتی در نظر گرفته‌اند. برای مثال، ولف سن^۱، چنین استدلال می‌کند که واحدهای شرکت‌کننده در یک مسابقه تسلیحاتی کیفی، سیستم‌های تسلیحاتی و سطح تسلیحات نظامی دشمنان را در سطح بالایی تصور می‌کنند؛ در نتیجه برآنند تا با افزایش تلاش‌های نظامی‌شان و مجهز شدن به سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته‌تر، فراتر از نیاز خود، بازدارندگی را ایجاد کنند (نادرپور، ۱۳۹۷: ۳۱).

در خصوص پیامد بروز مسابقه تسلیحاتی می‌توان گفت؛ در صورتی که طرفین درگیر در مسابقه تسلیحاتی، به نقطه ثبات راهبردی جدیدی دست یابند که حاصل ایجاد ثبات در بازدارندگی (برقراری موازنه تهدید) و ثبات در موازنه قوا (برقراری موازنه قدرت) میان طرفین است؛ گفته می‌شود که آن مسابقه تسلیحاتی با ثبات بوده است و در شرایطی که در جریان بروز یک مسابقه تسلیحاتی با از بین رفتن ثبات راهبردی و نقطه تعادلی پیشین،

تقارن و توازن در تهدید و قدرت در میان طرفین برقرار نگردد، مشاهده می‌شود که آن مسابقهٔ تسلیحاتی بی‌ثبات‌کننده بوده است. درهرحال، آنچه را برآیند این گفتار است شاید بتوان به گونه‌ای عینی و انضمامی در قالب نمودار ذیل ترسیم کرد (Daniels, ۲۰۱۷: ۱۲۴).

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی



گرایش به نظامی‌گری در راهبردهای امنیتی عربستان.....

نمودار شماره ۱: مدل تحلیلی بروز مسابقه تسلیحاتی در سیستم بین‌الملل

البته شکل‌گیری چنین رقابت تسلیحاتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌ویژه در زمانی که به سمت بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای سوق پیدا کند، ممکن است بازیگران را به سمت تجدیدنظر برای ترسیم الگوهای جایگزین سوق دهد که بر مبنای آن، در عین حفظ رقابت برای پیشی گرفتن از واحدهای دیگر، هزینه سنگین جنگ‌افروزی نیز برای کشورها به‌وجود نیاید. در اینجا احتمالاً جایگاه دو مفروضه اصلی نظریه نئوواقع‌گرایی در روابط بین‌الملل شامل تأثیرپذیری سیاست خارجی کشورها از نظام بین‌الملل مطابق نظریه کنت والتز (۸۰-۷۹: Bar, ۲۰۱۵)؛ همچنین تأثیرپذیری کشورها از ساختار اقتصاد بین‌الملل مطابق الگوی رابرت گیلپین^۱ (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۲۴) خود را نشان می‌دهد و این دو مفروض حتی گاهی می‌تواند جایگزین رویکردهای واقع‌گرایی مثل رقابت تسلیحاتی شود، چراکه در شرایط بی‌ثباتی در مناطق حساسی چون خاورمیانه، از یک‌سو ممکن است خواست نظام بین‌الملل به سمت موازنه قوا (حداقل در آن منطقه) سوق یابد؛ همچنان که والتز نیز معتقد است که موازنه قوا زمانی رخ می‌دهد که پیش‌شرط وجود نظم آنارشیک نظام بین‌الملل در کنار تلاش برای حفظ بقای بازیگران وجود داشته باشد (موسوی، ۱۳۹۴: ۷۱). ضمن اینکه در چنین شرایطی ممکن است واحدهای منطقه‌ای بعد از ایجاد رقابت تسلیحاتی به‌ویژه رقابت بی‌ثبات‌کننده در پی احیای اقتصادی خود برآیند و عنصر اقتصادی را به‌ویژه با عطف توجه به ساختار و خواست نظام بین‌الملل و منطبق با رویکرد گیلپین در معادلات خود وارد نمایند.

راهبردهای کلی عربستان برای امنیت خلیج فارس

خلیج فارس مهم‌ترین منطقه در راهبردهای امنیتی عربستان است و طی سالیان متمادی، رهبران این کشور برای تدبیر و اجرای راهبردهای امنیتی خود در این منطقه استراتژیک سیاست‌های مختلفی در پیش گرفته‌اند. با بررسی تاریخ این منطقه، چهار راهبرد اساسی که از سوی عربستان اتخاذ شده، قابل‌احصا است. البته آنچه در همه این راهبردها به‌عنوان هدف مدنظر بوده است، تضعیف ایران و قدرت منطقه‌ای آن و کنار زدن این کشور از ساختار امنیت منطقه‌ای است و

^۱Robert Gilpin

همکاری با آن برای تقویت امنیت خلیج فارس همواره گزینه‌ای مطرود بوده است. در ادامه، راهبردهای چهارگانه مذکور به حد نیاز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. راهبرد همکاری و ائتلاف با آمریکا

سیاست امنیتی عربستان در خلیج فارس از آغاز شکل‌گیری نظام‌های امنیتی در منطقه براساس ائتلاف با غرب و به‌ویژه با آمریکا استوار بوده است و هدف عمده تمام این ائتلاف‌ها، مهار پدیده‌های انقلابی و ممانعت از سرایت آثار آن به درون کشورشان بوده است. این همکاری از تئوری ستونی نیکسون، موازنهٔ دوجانبه و مهار دوگانه، حضور مستقیم آمریکا در قالب ناوگان نظامی و حضور در پایگاه‌های نظامی منطقهٔ عربی و برقراری توافقنامهٔ امنیتی دو و چندجانبهٔ عربستان با آمریکا به‌ویژه از سال ۱۹۹۰ میلادی به بعد، همه نشان‌دهندهٔ تمایل عربستان به ایفای نقش در ائتلاف با رهبری آمریکا در خلیج فارس است (جهان‌آرا، ۱۳۹۷: ۱۹).

۲. راهبرد همکاری منطقه‌ای در قالب شورای همکاری خلیج (فارس)

با توجه به اصول واقع‌گرایی حاکم در منطقهٔ خلیج فارس و ضرورت حفظ بقای دولت‌های عرب به‌ویژه عربستان، همواره به‌دنبال یارگیری سیاسی و امنیتی بوده‌اند. با توجه به نگرانی‌های امنیتی بعد از شروع جنگ عراق علیه ایران و ترس از سرایت این مسئله به درون کشورهای عرب منطقه و پیامدهای آن، شورای همکاری خلیج (فارس) با رهبری عربستان و با تأیید آمریکا شکل گرفت. استقرار دبیرخانهٔ دائمی این شورا در ریاض نشانه‌ای بر تأثیرگذاری عربستان بر سایر اعضا می‌باشد. در این راستا، عربستان همواره سعی کرده است به‌عنوان یک ابزار با برگزاری نشست‌های مشورتی شورا در زمینهٔ نظامی و امنیتی، اقتصادی و سیاسی، تأثیرگذاری این ابزار را ارتقا دهد. برای نمونه، نشست مشورتی نظامی شورا در سال ۲۰۱۶ میلادی با حضور رؤسای ستاد مشترک کشورهای عضو در ریاض تشکیل و طرف عربستانی هدف این نشست را تقویت همکاری‌های نظامی برای امنیت منطقه عنوان نمود (متقی، ۱۳۹۵: ۳۷).

۳. راهبرد تشکیل ائتلاف با کشورهای عربی و غیرعربی

برقراری ائتلاف با کشورهای عرب و غیرعرب منطقه، راهبرد دیگر عربستان برای توازن امنیتی در این ناحیه به نفع خود است که در بررسی تحولات امنیتی، می‌توان بیانیه دمشق در قالب طرح ۶+۲ برای حضور و حمایت نیروهای مسلح مصر و سوریه از اعراب خلیج فارس را نقطه شروع این راهبرد در عصر حاضر دانست (نادرپور، ۱۳۹۷: ۶۴). در ادامه، در دهه ۲۰۱۱ میلادی، بعد از وقایع بیداری اسلامی، وقتی عربستان با فروپاشی شبکه متحدان سنتی خود مواجه شد، پیشنهاد داد تا ارتش اردن و مراکش برای تقویت شورای همکاری در منطقه حضور یابند (صادقی اول و نقدی - عشرت‌آباد، ۱۳۹۶: ۵۷) و نهایتاً تشکیل ائتلاف عربی با حضور ۳۵ کشور از جمله پاکستان را که بعد از حمله عربستان و در قالب عملیات «طوفان قاطعیت» شکل گرفت، می‌توان یکی از دلایل عربستان در راستای برقراری توازن امنیتی خود در منطقه تفسیر نمود (قوام، ۱۳۹۵: ۳۱).

در راستای ایجاد و تقویت ائتلاف‌ها، اقدام دوم عربستان اجرای مانورهای مشترک با کشورهای عرب و غیرعرب منطقه و کشورهای فرامنطقه‌ای می‌باشد. البته در مورد پاکستان سابقه همکاری این دو کشور به دوران جنگ افغانستان برمی‌گردد ولی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ میلادی، شش مرحله رزمایش مشترک تحت عنوان صمصام با حضور نیروهای مسلح دو طرف، در دو کشور برگزار شد و در سال ۲۰۱۵ میلادی در رزمایش شمشیر عبدالله، ژنرال راحیل شریف، فرمانده ارتش پاکستان در سخنانی اعلام نمود که هرگونه تعرض به عربستان با واکنش پاکستان مواجه خواهد شد (جهان‌آراء، ۱۳۹۷: ۱۴). کشور متحد دیگر در این سیاست ترکیه است که به‌ویژه بعد از وقایع سوریه و عراق و با توجه به سیاست ترکیه در کردستان و نارضایتی تلویحی از شکل‌گیری دولت شیعی در عراق و تغییر توازن به نفع ایران، همکاری امنیتی خود را با عربستان افزایش داد. نمونه سوم، انجام رزمایش‌های سپر جزیره توسط اعضای شورای همکاری طی سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۷ میلادی است که طی هفت مرحله انجام شده است (Clayton, ۲۰۱۷: ۱۹).

۴. راهبرد افزایش قدرت نظامی از طریق خریدهای نظامی

راهبرد دیگر عربستان در راستای امنیت منطقه که به‌طور ویژه‌ای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از تهدیدات امنیتی یازده سپتامبر اجرا شده است؛ افزایش قدرت نظامی خود می‌باشد.

آن کشور در پیگیری این راهبرد، سه استراتژی داشته است؛ اول، خرید تجهیزات و ارتقای توان تجهیزاتی در برابر توان نظامی ایران، دوم؛ اجرای رزمایش‌های گسترده با متحدان غربی، عربی و منطقه‌ای و سوم؛ افزایش شمار نظامیان سعودی در حوزه نیروهای مسلح عربی است (جهان‌آرا، ۱۳۹۷: ۱۰). این کشور طی دهه گذشته خریده‌های گسترده‌ای از کشورهای سوئد، سوئیس، دانمارک، فنلاند، آمریکا، انگلیس، آلمان، ایتالیا، چین، کانادا، ترکیه و فرانسه در راستای تنوع‌بخشی به خریده‌های خود نموده است. برابر گزارش سرویس تحقیقات کنگره آمریکا در ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی، خریده‌های نظامی عربستان از آمریکا در چهار سال گذشته به ۹۰ میلیارد دلار رسیده است. همین‌طور در سال ۲۰۱۵ میلادی هزینه‌های نظامی جهان به ۱/۷ تریلیون دلار رسید که سهم عربستان بعد از آمریکا و چین با ۵/۷ درصد افزایش در جایگاه سوم جهان قرار گرفته است (متقی، ۱۳۹۵: ۱۸).

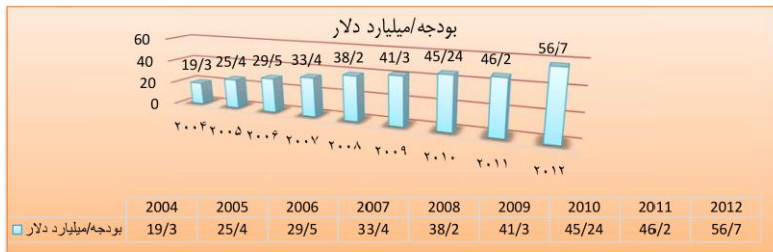
عربستان همچنین در سال ۲۰۱۵ میلادی شمار نظامیان خود را به ۵۰۰،۲۳۳ نفر افزایش داد و سرمایه‌گذاری انبوهی در شمار و کیفیت نظامیان در حوزه‌های تخصصی نیروی هوایی، دریایی و زمینی انجام داد؛ به‌طوری‌که امروز نیروی هوایی عربستان از حیث تجهیزات جزو تأثیرگذارترین نیروهای شورای همکاری است. نیروی هوایی آن کشور با هفت پایگاه هوایی و شرکت در چند نبرد منطقه‌ای توانست در امر آموزش به‌صورت مشترک با نیروهای نظامی آمریکایی مورد استفاده قرار گیرد (۳۴: ۲۰۱۷، Daniels). در چارچوب استراتژی سوم نیز، همان‌طور که گفته شد، در قالب انجام رزمایش صمصام با پاکستان در شش مرحله، رزمایش شمشیر عبدالله، رزمایش سپر جزیره با اعضای شورای همکاری و رزمایش مشترک با آمریکا و فرانسه در مناطق جنوبی عربستان و در عملیات ائتلاف ضد داعش به رهبری آمریکا و همچنین نبرد با یمن از سال ۲۰۱۴ میلادی شرکت نموده و نسبت به افزایش مهارت‌های نظامی خود ادامه داده است (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۲).

علت‌های شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس

اول اینکه در قرن اخیر و با اهمیت یافتن موقعیت استراتژیک خلیج فارس، بسترهای شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی فراهم گردید. در اینجا شاید در بدو امر، جنگ سرد یکی از عوامل مؤثری بود برای رقابت‌های تسلیحاتی در سطح دنیا به‌صورت عام و سیستم‌های منطقه‌ای مانند شورای

همکاری خلیج فارس به صورت خاص. در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، کشورهای حاشیه خلیج فارس در رقابت ناشی از جنگ سرد، بیشتر در اردوگاه غرب قرار گرفته بودند و سپس وقوع رویدادهایی مانند انقلاب ایران، تصرف سفارت آمریکا در تهران و تهاجم شوروی به افغانستان و اشغال آن در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی سبب شد تا سیاست‌های آمریکا و سایر قدرت‌های غربی در قبال خلیج فارس دچار سردرگمی شود. در چنین جو بی‌ثبات و بحرانی بین‌المللی بود که عراق به ایران حمله کرد و جنگی هشت‌ساله بین دو کشور آغاز شد. چند سال بعد؛ یعنی در سال ۱۹۹۱، جنگ دیگری آغاز شد که این بار ناشی از تهاجم عراق به کویت بود (پورسعید، ۱۳۹۵: ۲۰۵). به هر جهت، صرف‌نظر از این مسائل تاریخی که بعدها در دهه‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ میلادی، در نتیجه مسائل نظیر ظهور بنیادگرایی اسلامی، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و به تبع آن طراحی استراتژی جنگ پیشگیرانه و نیز حمله کشورهای غربی به افغانستان و عراق، جوانب جدیدی به خود گرفت. آنچه اهمیت یافت این بود که منطقه خلیج فارس به صورت ذاتی پتانسیل ایجاد مسابقه تسلیحاتی را در درون خود بنا بر دلایل ذیل دارا است.

دلیل دوم موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز است. در خصوص این مهم بسیار گفته و شنیده شده است و حتی شواهد تاریخی نیز بیانگر وجود رقابت واحدهای سیاسی خارج از منطقه (پرتغال، هلند، فرانسه، انگلیس، آلمان و آمریکا) برای کنترل آن بوده است، اما با این حال آنچه در حال حاضر همچنان نمایانگر اهمیت راهبردی این منطقه است، ذخایر عظیم انرژی است. در واقع، پس از جنگ جهانی اول و به‌ویژه شروع جنگ جهانی دوم، نام خلیج فارس با منابع انرژی و به‌ویژه نفت مترادف شده است. از این رو، تا زمانی که منابع انرژی جایگزین (به صورت پایدار) برای تقویت انرژی جهانی کشف نشود، این منطقه همچنان به‌عنوان یکی از مناطق استراتژیک مورد مباحثه برای سال‌های آینده باقی خواهد ماند؛ چراکه از یک سو، ضرورت اشراف و تسلط قدرت‌های جهانی بر قلب انرژی جهان، نظارت و کنترل بیگانگان بر منطقه را فزونی بخشیده و از سوی دیگر، تلاش برای در اختیار داشتن هرچه بیشتر بازارهای انرژی جهان، کشورهای منطقه را وارد منازعات پنهان و آشکار، حتی در قالب مسابقات تسلیحاتی نموده است (صادقی‌اول و نقدی-عشرت‌آباد، ۱۳۹۶: ۱۵۷).



نمودار شماره ۲: بودجه نظامی عربستان، منبع: (جزوه مطالعات راهبردی عربستان، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، ۲۰۱۷م)

دلیل سوم، تنوع قومیتی / مذهبی بود. یکی دیگر از علل بالقوه شکل‌گیری مسابقه تسلیحاتی در حوزه خلیج فارس، تنوع قومیتی و مذهبی بوده است. در خلیج فارس به واسطه فقدان عنصر تساهل مذهبی و پررنگ بودن تفکرات ایدئولوژیک و قومیتی متعارض، تنوع قومی تبدیل به تهدیدی اساسی برای امنیت منطقه‌ای شده است که نشانه‌های آن، خود را به‌ویژه در قالب ظهور گروه‌های تکفیری نظیر داعش و جبهه النصره نشان داده است. بدین ترتیب، تنوع و سلیقه‌های مختلف مذهبی در منطقه شامل سنی، شیعه و فرقه‌های مربوط به آنها در میان کشورهای این منطقه وجود دارد که اعتقادات و اقدامات مربوط به عناصر افراطی هر یک از گروه‌ها، بروز مشکلات بسیاری را در منطقه به دنبال داشته است، چراکه به‌عنوان مثال اگر بخش اعظم جمعیت کشورهای چوچون ایران، عراق و بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، در سایر کشورهای منطقه خلیج فارس جمعیت اهل سنت غلبه دارد و در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با سیاسی شدن روزافزون جمعیت شیعه در منطقه، منازعات ایدئولوژیک افزایش یافته که این خود منجر به شکل‌گیری چند شکاف راهبردی در منازعات منطقه‌ای گردیده است (قاسمی، ۱۳۹۰: ۴۱)، اما اساساً این سطح از همگرایی نیز از این واقعیت نشئت گرفته است که کشورهای عرب سنی‌مذهب منطقه خلیج فارس نسبت به ایران شیعی‌مذهب، نگرش بدبینانه داشته و همکاری آنها نیز در راستای ایجاد دژ منطقه‌ای و حفظ جامعه امن آنها در مقابل ایران تعریف شده است؛ همچنان که رقابت‌های پیدا و پنهان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای تضعیف موقعیت منطقه‌ای ایران بر سر مسائلی مثل

پرونده هسته‌ای، جزایر سه‌گانه و مسئله عراق بعد از سقوط صدام، خود می‌تواند گویای این مهم باشد (صادقی‌اول و نقدی عشرت‌آباد، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

دلیل چهارم: حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای تأثیرگذاری بر قدرت‌های منطقه‌ای به منظور تأمین منافع ملی خودشان در قالب فروش سلاح‌های تولیدی در کارخانه‌های خود به کشورهای منطقه، به‌ویژه در خلیج فارس می‌باشد. ایالات متحد آمریکا در سال ۲۰۱۱ میلادی مجموعاً ۵۷ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به ۶ پادشاهی عرب منطقه خلیج فارس فروخته است که این رقم ۶۰ درصد کل تسلیحات فروخته‌شده این کشور در سال مذکور به حساب می‌آید. بنابه گزارش وزارت دفاع آمریکا در اواخر سال ۲۰۱۱ میلادی، عربستان سعودی سفارش ۸۰ میلیارد دلار ادوات جنگی را به این وزارتخانه داده است و امارات متحده عربی نیز قرارداد نصب سپر دفاع موشکی به ارزش ۳ میلیارد دلار را با این کشور بسته است. با اینکه کشورهای اغلب رانته منطقه خلیج فارس، آمارهای مربوط به خریدهای تسلیحاتی خود را در اکثر موارد آشکار نمی‌کنند، اما جدول ذیل که به کمک آمار مراکز رسمی صادرکننده تسلیحات گردآوری شده است، تا حدودی گویای میزان واردات تسلیحات از قدرت‌های بزرگ جهانی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی در این منطقه است.

کشورها	ایران	عربستان	کویت	قطر	امارات	بحرین	عمان
۲۰۰۳	۷۱۹۵	۲۲۱۵۷	۴۳۹۶	۱۶۰۲	۱۰۲۰۱	۵۳۱	۳۳۰۳
۲۰۰۵	۱۱۲۹۶	۲۹۶۸۰	۴۵۸۰	۱۵۶۹	۱۰۲۵۴	۵۲۹	۴۴۷۶
۲۰۰۶	۱۲۲۳۳	۳۳۸۰۹	۴۵۵۰	۱۶۵۷	۱۲۰۹۸	۵۷۶	۴۷۸۶
۲۰۰۷	۱۰۱۵۸	۳۳۹۷۶	۵۱۰۹	۲۰۲۰	۱۳۰۵۲	۶۰۹	۴۸۴۹
۲۰۰۹	۹۱۷۴	۳۸۲۲۳	۴۴۶۰	---	---	۶۵۱	۴۶۱۷
۲۰۱۲	---	۳۹۵۵۷	۴۵۸۹	---	---	۷۲۱	۴۰۰۳
۲۰۱۵ به بعد	---	۸۷۲۵۷	---	---	۴۲۳۵۶	---	---

جدول شماره ۱: میزان واردات نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس (ارقام به میلیون دلار می‌باشند)

منبع: (SIPRI Military Expenditure Database)

با تکیه بر آمارهای مربوط به میزان خرید و فروش تسلیحات در طی یک دهه اخیر در منطقه خلیج فارس، می‌توان گفت که مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس به شدت در حال رواج یافتن است.

برای اثبات این مسئله، علاوه بر اینکه می‌توان از آمارهای رسمی ذکر شده استفاده کرد، از آمارهایی که هنوز به‌طور قطع و یقین تأیید نشده‌اند نیز می‌توان استفاده نمود. این آمارهای غیررسمی نشانگر توجه بیش‌ازپیش پادشاهی‌های عرب منطقه خلیج فارس به خریدهای هنگفت تسلیحاتی است؛ از آن جمله می‌توان به سفارش ۵/۳ میلیارد دلاری عمان به وزارت دفاع آمریکا جهت تحویل در اواخر سال ۲۰۱۱ میلادی، همچنین توسعه و تجهیز نظامی پایگاه‌های آمریکایی در کشور بحرین با هزینه آمریکایی‌ها و سفارش تسلیحاتی نامشخص به وزارت دفاع آمریکا جهت تحویل در سال ۲۰۱۱ میلادی از طرف حکومت بحرین، توسعه و تجهیز پایگاه‌های نظامی آمریکایی‌ها در قطر و خرید و سفارش ادوات جنگی همچون انواع جنگنده‌های پیشرفته و موشک‌های به‌روز شده از سوی قطر به آمریکا، اقدام وزارت دفاع ایالات متحده در فروش ۲۰۹ موشک پاتریوت^۱ به ارزش ۹۰۰ میلیون دلار به کویت در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی و سفارش برخی ادوات جنگی از سوی حکومت کویت به آمریکایی‌ها و در نهایت خریدها و سفارش‌های سرسام‌آور عربستان و امارات متحده عربی طی سال ۲۰۱۱ میلادی و حتی برای سال ۲۰۱۲ میلادی که به‌خوبی گویای رواج مسابقه تسلیحاتی در منطقه خلیج فارس است، اشاره کرد (۶۵: ۲۰۱۶، Cordesman). همچنین بر اساس آخرین گزارش ارائه‌شده از سوی شرکت‌های صادرکننده تسلیحات، منطقه خلیج فارس با خرید بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار تجهیزات نظامی در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ میلادی در مقایسه با سال ۲۰۰۷ میلادی که بیش از ۵۳ میلیارد دلار خرید تسلیحاتی داشته است، دارای رشد بیشتری نسبت به سایر مناطق جهان در همان محدوده زمانی بوده است (۱۳: ۲۰۱۷، Shapiro).

عربستان سعودی با پیشی گرفتن از انگلیس در سال ۲۰۱۳ میلادی، مبلغ سفارش ۵۹/۶ میلیارد دلار هزینه کرده است که این کشور را در رتبه‌ای بالاتر از انگلیس و فرانسه قرار

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

می‌دهد که به ترتیب سفارش ۵۷ و ۵۲/۴ میلیارد دلاری، هزینه نظامی کرده‌اند. سعودی‌ها قصد دارند با صرف ده‌ها میلیارد دلار تا سال ۲۰۲۰ میلادی، نیروی هوایی خود را به اولین نیروی منطقه تبدیل کنند. در ذیل، آمار قراردادهای تسلیحاتی عربستان سعودی از فروردین سال ۱۳۹۵ تاکنون بیان شده است.

ردیف	تاریخ	موضوع	آخرین وضعیت
۱	۹۵	دریافت ۳۴ فروند تایفون از انگلیس، از تعداد ۷۲ فروند خریداری شده در سال ۲۰۰۷	تحويل داده شده است
۲	۹۷	قرارداد خرید بمب‌های سنگرشکن ۵ هزار پوندی «Paveway IV» به ارزش ۲۴۷ میلیون دلار (تعداد نامشخص)	قرارداد نهایی، تحويل تا ۱۸ ماه پس از قرارداد
۳	۹۶	ساخت پهپاد صفر با حداکثر برد ۲۵۰ کیلومتر	ساخت نمونه اولیه
۴	۹۷	قرارداد نوسازی بالگردهای آپچی با حس‌گر دید در شب به ارزش ۲۲ میلیون دلار	قرارداد نهایی
۵	۹۶/۰۶/۰۹	قرارداد نظامی ۲ میلیارد دلاری آمریکا و عربستان برای ارتقای آواکس-های این کشور	پیشنهاد از سوی آمریکا
۶	۹۶/۰۹/۱۱	ایجاد پایگاه جدید نظامی در عربستان برای پهپادهای آمریکایی	قرارداد
۷	۹۶/۰۹/۰۱	خرید ناوشکن آمریکایی به ارزش ۲۰ میلیارد دلار	اظهار علاقه
۸	۹۶/۰۵/۳۰	سفارش ۱۲ فروند بالگرد UH-۶۰M به ارزش ۳۰ میلیون دلار. تمایل عربستان برای خرید ۷۲ فروند بالگرد از این نوع	قرارداد قطعی
۹	۹۷/۰۶/۱۲	خرید ۲۴ فروند بالگرد شناسایی تهاجمی AH-۶۱ از آمریکا	کسب موافقت وزارت دفاع آمریکا توسط بوئینگ
۱۰	۹۶/۰۱/۲۱	قرارداد ۴ میلیارد دلاری با آمریکا برای تجهیز گارد ملی عربستان	قرارداد
۱۱	۹۶/۱۰/۰۱	استقرار شرکت امنیتی خصوصی آمریکایی در عربستان برای جلوگیری از قیام مردمی	قرارداد
۱۲	۹۶/۱۲/۰۳	عربستان سعودی به دنبال موشک‌های بالستیک	قرارداد
۱۳	۹۶/۱۲/۰۹	قرارداد خرید موشک هل‌فایر از آمریکا	قرارداد
۱۴	۹۷/۰۲/۰۸	خرید پهپادهای عمودپرواز برای نیروی دریایی عربستان	قرارداد

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

قرارداد	فروش بمب‌های بتن‌شکن به عربستان توسط آمریکا	۹۷/۰۲	۱۵
عقد قرارداد	قرارداد شرکت لاکهید مارتین، شامل دو فروند هواپیمای عملیات نفوذی و پشتیبانی عملیات ویژه از نوع MC-۱۳۰J و دو فروند هواپیمای انتقال نیروها و اجرای عملیات جستجو از نوع HC-۱۳۰J	۹۷/۰۴/۰۶	۱۶
قرارداد	تمایل عربستان جهت خرید بمب هوشمند TAKBIR	۹۷/۰۴/۰۶	۱۷
قرارداد	برنامه بهینه‌سازی آواکس‌های عربستان سعودی توسط شرکت بوئینگ در کنت واشینگتن	۹۷/۰۴/۲۲	۱۸
تحويل	تحويل بمب‌های هدایت‌شونده انگلیسی به نیروی هوایی عربستان ملاحظه: این بمب‌ها احتمالاً از نوع «Paveway IV» هستند که قرارداد آن مربوط به سال ۹۵ است	۹۷/۰۴/۲۹	۱۹
قرارداد	اعلام وزیر امور خارجه عربستان در مورد قطعیت قرارداد موشک اسکندر روسی و امضای آن	۹۷/۰۵/۲۰	۲۰

جدول شماره ۲: خریدهای نظامی عربستان، منبع: (کتاب استراتژیک عربستان دانشگاه جامع امام حسین (ع) سال ۱۳۹۷)

امارات در سال‌های اخیر جزء خریداران عمده تسلیحات نظامی جهان بوده است. آنچه حائز اهمیت می‌باشد، آن است که کشور امارات علاوه بر واردات تسلیحات نظامی، ساخت این تجهیزات را در خاک خود و یا با مشارکت سایر کشورها، در دستور کار قرار داده است. امارات در کنار تلاش برای انباشت انواع سلاح‌ها و تسلیحات نظامی، اکنون در پی توسعه سامانه‌های جاسوسی و فضایی خود است. در ادامه به خریدهای تسلیحاتی امارات از ابتدای سال ۱۳۹۵ تاکنون پرداخته شده است.

ردیف	تاریخ	موضوع	آخرین وضعیت
۱	۹۶	قرارداد ارتقای ۶ فروند هواپیمای C-۱۳۰ به ارزش ۱۵۷ میلیون درهم، با اجرای تغییرات مدرن در اتاقک خلبان و تبدیل سامانه‌های آنالوگ به دیجیتال	قرارداد نهایی
۲	اوایل ۹۶	تلاش برای خرید ۲۵ فروند جنگنده F-۱۶	ارائه پیشنهاد
۳	۹۶	تلاش برای خرید ۹۷۳ بمب هدایت‌شونده از نوع JSOW	در حد قرارداد
۴	۹۵	دریافت موشک‌های هوشمند JDMS	تاکنون ۴۹۰۰ فروند تحويل امارات شده

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

قرارداد نهایی	نهایی شدن قرارداد خرید سامانه ضد موشکی Diamond missile و Patriot-3 shield به ارزش یک میلیارد و ۹۶۰ میلیون دلار	۹۶/۷/۱۰	۵
در حد قرارداد	تلاش برای خرید موشک‌های لیزری تالون از آمریکا	۹۶	۶
قرارداد	ساخت پهپاد YABHON-R۲	۹۶/۰۶/۱۳	۷
قرارداد	احتمال فروش پهپاد رزمی ساخت امارات با نام یونایتد ۴۰ با ۱۰۰ ساعت مداومت پروازی به روسیه	شهریور ۹۵	۸
قرارداد	تصمیم امارات برای خرید زیردریایی از ایتالیا	۹۵	۹
قرارداد	اعلام تحویل سامانه THAAD تا سال ۲۰۱۵	۹۶/۰۹/۱۸	۱۰
قرارداد	تلاش امارات برای خرید ۳۰ فروند جنگنده F-۱۶ بلوک ۶۱	۹۶/۰۹/۱۶	۱۱
قرارداد	اعلام خرید ۲۴ لانچر موشک و راکت‌های ۳۰۰ کیلومتری ATACM	۹۶/۰۸/۳۰	۱۲
قرارداد	دریافت نخستین بخش از راکتور هسته‌ای از کره جنوبی؛ به گزارش العالم ارزش قرارداد هسته‌ای کره با امارات به ۴۰ میلیارد دلار می‌رسد	۹۶/۰۳/۰۱	۱۳
قرارداد	قرارداد با بلک‌واتر برای مقابله با اعتراضات داخلی و به کارگیری ۸۰۰ نیروی مزدور خارجی	۹۶/۰۱/۲۱	۱۴
صحت نامعلوم	قرارداد ۸۰۰ میلیون دلاری فروش فناوری پیشرفته رژیم صهیونیستی در زمینه دوربین‌های مراقبتی و دستگاه‌های حسگر برای نظارت بر زیرساخت‌های حساس و چاه‌های نفت و دیوارهای الکترونیکی به امارات	۹۶/۰۹/۲۶	۱۵
قرارداد	تلاش برای خرید جنگنده F-۳۵ توسط امارات، بحرین، قطر و کویت	۹۷/۱۲/۱۲	۱۶
وارد همکاری شدند	رونمایی از سیستم دفاع هوایی جدید امارات از نوع V-SHORAD توسط شرکت‌های آمریکایی	۹۷/۱۲/۱۵	۱۷
قسط فروش	آمریکا به امارات موشک‌های دوربرد زمین به زمین از نوع (ATACMS) داده است	۹۷/۰۲/۲۷	۱۸
توافق برای عقد قرارداد	امارات درخواست خرید ۵۰۰ بمب هدایت‌شونده از نوع GBU ۳۱ از آمریکا داده است	۹۷/۰۳/۰۹	۱۹

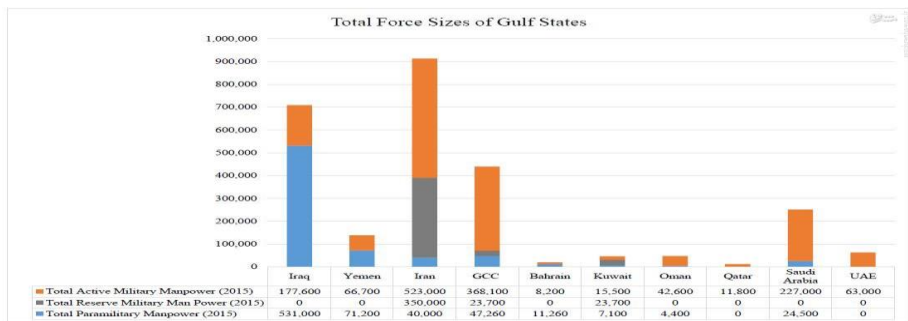
جدول شماره ۳: خریدهای نظامی امارات متحده عربی، منبع: (برآورد استراتژیک شورای همکاری خلیج فارس،

دانشگاه جامع امام حسین (ع) ۱۳۹۷)

در ادامه باید گفت، از مهم‌ترین دلایلی که به صورت محسوس در رقابت تسلیحاتی خلیج فارس دیده می‌شود، کمیت و کیفیت نیروهای نظامی و لجستیکی است.

۱. نیروهای نظامی

اگرچه برخی معتقدند اهمیت نیروهای آماده‌به‌خدمت در حوزه‌های نظامی با توجه به پیشرفت فناوری تسلیحاتی کمرنگ شده است، اما با این حال همچنان می‌توان مدعی بود که اساسی‌ترین عنصر در حوزه نظامی، نیروی انسانی زنده، به‌ویژه در حوزه‌های طراحی استراتژی نظامی از حیث تدافعی و تهاجمی است، زیرا اگر پیشرفته‌ترین سلاح‌ها در اختیار نیروی نظامی غیرورزیده و بی‌تجربه قرار بگیرد، نخواهند توانست از آن استفاده مناسب نمایند؛ چه بسا که این نیروها به ضرر کشور دارنده این تسلیحات عمل کنند. همچنان که به‌زعم تحلیل‌گران، یکی از نقاط ضعف کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به‌رغم خرید تجهیزات مدرن نظامی در حوزه مسابقه تسلیحاتی، همین مسئله است. به هر جهت، نمودار ذیل در این خصوص قابل تأمل است که با دقت نظر در آن، این نتیجه عاید می‌شود که نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران اعم از دریایی، هوایی و زمینی دارای بیشترین تعداد است (منوری، ۱۳۹۷: ۲۴). شاید علت این مسئله نیز روشن باشد، زیرا علاوه بر اینکه ایران تجربه جنگ هشت‌ساله با عراق را اندوخته است، دائم از سوی قدرت‌های غربی تهدید می‌شود و به‌دلیل هم‌پیمانی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با بلوک غرب در مخالفت با ایران، مقامات کشورمان همواره نیاز به نیروی نظامی آماده را احساس نموده و می‌نمایند.

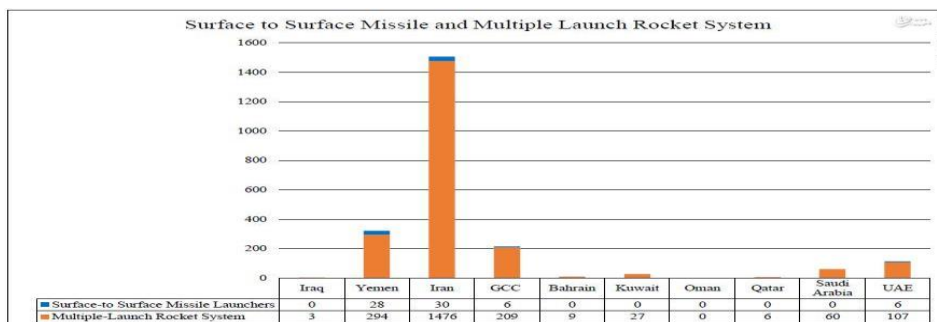


نمودار شماره ۳: تعداد نیروهای نظامی کشورهای حاشیه خلیج فارس منبع: (Cordesman and Nerguizian, ۲۰۱۲)

۲. نیروی هوایی و توان موشکی

امروزه تأثیر توان نظامی یک کشور در عرصه هوایی، اصلی‌انکارناپذیر است. در واقع به‌واسطه پیشرفت روزافزون فناوری، نبردهای هوایی اهمیت روزافزونی به‌خود گرفته است؛ یعنی

اگرچه تسلیحات مرتبط با نیروهای هوایی گران بوده و دارای فناوری پیچیده‌ای می‌باشد، اما به دلیل توان بالای بازدارندگی، انهدام سریع مواضع کلیدی دشمن و نیز کاهش تلفات انسانی کشور دارنده، همواره مورد توجه کشورها قرار گرفته است. با توجه به این مسئله توجه به نمودارهای ذیل قابل تأمل است.



نمودار شماره ۴: مقایسه تعداد سابت‌های موشکی و موشک‌های سطح به سطح در بین کشورهای خلیج فارس از سال (۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ میلادی) منبع: (Cordesman and Nerguizian, ۲۰۱۲)

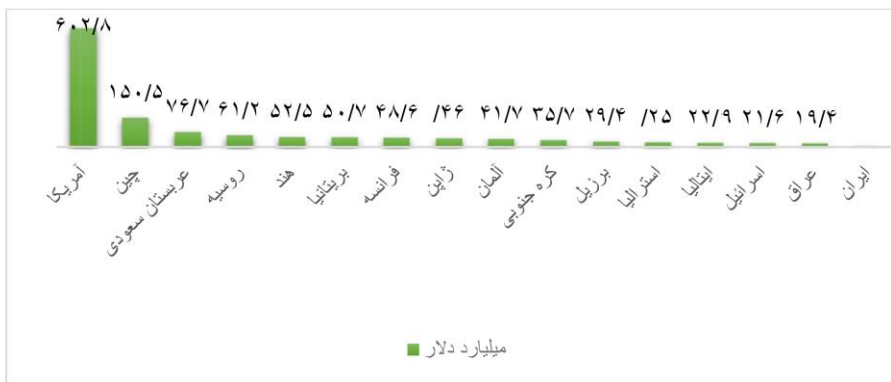
	Iraq	Yemen	Iran	GCC	Bahrain	Kuwait	Oman	Qatar	Saudi Arabia	UAE
F-5B/E/F		10		12	12					
F-16E/F Block 60										78
F-16C/D	1			36	21		15			
F-14			43							
F-15E									71	
F-15C/D									81	
F/A-18C/D										
F-4E			64							
MiG-21		15								
MiG-21U		3								
MiG-29SM		15								
MiG-29A/U/UB		1	36							
Su-22UM3 Fitter G			4							
Su-22 Fitter D			27							
Su-24MK Fencer D			30							
Su-25/K/UBK		7	10							
Mirage 2000-9DAD										16
Mirage 2000-9EAD								12		44
Mirage 2000ED/D										
Tornado IDS										69
Typhoon										40

نمودار شماره ۵: تعداد جنگنده‌های ایران و اعراب خلیج فارس منبع: (Cordesman and Nerguizian, ۲۰۱۲)

در این نمودار، مشخص می‌شود که تعداد هواپیماهای جنگنده در بین کشورهای ایران و عربستان، به‌عنوان دو کشور برتر منطقه خلیج فارس، در طی دو دهه؛ یعنی از سال (۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ میلادی)، حدوداً ۶۸ و ۴۸ درصد افزایش داشته است. کشور امارات نیز در این مورد، رشد ۱۰۲ درصدی داشته است. همچنین، تعداد هواپیماهای جنگنده مذکور در کشور عراق از سال (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ میلادی)، روند کاهش و افزایش و کاهش را طی کرده است. از طرف دیگر، نبرد در عرصه

هوایی امروزه صرفاً متعلق به جنگنده‌های پیشرفته نظامی نیست، بلکه رقابت تسلیحاتی موشکی نیز مکمل توان جنگنده‌های نیروی هوایی یک کشور است. در نمودار ذیل، روند برنامه موشکی کشورهای حاشیه خلیج فارس نمایش داده شده است (پورسعید، ۱۳۹۵: ۳۷).

در حوزه نیروی دریایی نیز گفته می‌شود که تا سال ۲۰۱۰، ایران بیش از ۲۵۰ نوع تجهیزات دفاعی دریایی اعم از شناور گشت‌زن، شناور آبی/خاکی و... را داشته و بعد از ایران، عربستان با نزدیک به ۱۰۰ نمونه در رتبه دوم و امارات با نزدیک به ۵۰ نمونه در رتبه سوم بهره‌گیری از تجهیزات دریایی بوده‌اند (منوری، ۱۳۹۷: ۲۳). همچنین در زمینه سایر ادوات نظامی نظیر تانک‌ها نیز از سال ۲۰۱۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، کشورهای ایران، عربستان، بحرین، عمان، قطر و امارات، به ترتیب معادل ۶۱، ۱۲۷، ۱۸۰، ۷۶۳، ۶۸ و ۱۲۰ درصد رشد داشته‌اند (Cordesman، ۲۰۱۶: ۳۸).



نمودار شماره ۶: بودجه نظامی کشورهای مختلف، منبع: (منوری: ۱۳۹۶)

مواضع آمریکا علیه ایران در دوره‌های مختلف در خصوص امنیت خلیج فارس

تمام رؤسای جمهور آمریکا از دوران بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون به خلیج فارس به‌عنوان بخشی از منافع جدی و بعضاً حیاتی ایالات متحده نگریسته‌اند و کمتر موضوع امنیتی را در خلیج فارس می‌توان یافت که آمریکا نقشی در آن نداشته باشد یا جزئی از اجزای تشکیل‌دهنده در قالب‌های ایجابی و سلبی با عنصر آمریکا و رفتار امنیتی آن پیوند نخورده باشد. (پورسعید، ۱۳۹۶: ۲۳). با توجه به برجستگی عنصر آمریکایی در امنیت خلیج فارس، پرسشی مهم و اساسی جلب‌نظر می‌کند و آن اینکه سیاست

امنیتی آمریکا را در خلیج فارس چگونه می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ سه مفهوم «هژمونی جهانی»، «ساختار امنیت منطقه‌ای» و «چالش‌های امنیتی» می‌توانند توضیح‌دهندهٔ فراز و فرود رفتار امنیتی آمریکا در خلیج فارس باشند.

در مجموع در رفتار امنیتی آمریکا، با سه ویژگی در ساختارشناسی امنیتی روبه‌رو هستیم؛ ویژگی اول، انحصاری پنداشتن نقش استراتژیک بین‌المللی در امنیت منطقه خلیج فارس است، به این معنی که حتی در بین دوستان آمریکا در غرب، سقف بسیار محدودی برای پرواز در حوزهٔ مناسبات امنیتی خلیج فارس وجود دارد. با وجود علاقهٔ کشورهای حوزهٔ جنوبی خلیج فارس به تنوع دادن به منابع تأمین امنیتی و تسلیحاتی خود و فعال بودن نسبی فرانسه، چین و روسیه، به هیچ‌وجه قابل‌مقایسه نیست (Clayton, ۲۰۱۷: ۶۷). بخشی از این عدم‌تمایل به ظرفیت‌های نظامی و استراتژیک آنها پیوند می‌خورد ولی بخش دیگر آن از محاسبه‌ای استراتژیک ریشه می‌گیرد که در آن توجه به نقش استراتژیک آمریکا، برجسته است. دومین ویژگی، ساختار معنایی آمریکا در امنیت منطقه‌ای است. به این صورت که حضور هژمون طلب آمریکا در منطقهٔ خلیج فارس، نیازمند تدوین، پردازش و جا انداختن توجیهات و دلیل‌هایی است که به این تحرک پایدار نظامی و استراتژیک معنا دهد (سند امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۵: ۲۸)، درست همانند دوران جنگ سرد با تهدید شوروی و در دوران معاصر با تهدید ساختگی ایران و تهدید مبارزه با گروه‌ها و جریان‌های رادیکال در منطقه و امنیت جریان نفت با ترس و تهدید نشان دادن ایران صورت می‌گیرد و بدون آن، حضور نظامی آمریکا از معنا تهی شده و این خود بسیاری از مناسبات را به هم می‌ریزد (۲۵: ۲۰۱۰, Gompert, Karasik and Rathmell).

«سومین ویژگی ساختار امنیت منطقه‌ای آمریکا در خلیج فارس، مجموعه‌ای از شبکه‌های امنیتی است که پرلایه و تودرتو است» (سند امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۷: ۴۵). «لایهٔ عمده در این شبکه‌سازی امنیتی، مناسبات امنیتی و نظامی دوجانبه با تک‌تک کشورهای عرب جنوب خلیج فارس است» (همان: ۱۲). پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقهٔ خلیج فارس، نتیجه این قراردادهای و موافقت‌نامه‌های امنیتی و نظامی است؛ از مقر فرماندهی ناوگان پنجم در بحرین از حدود ۵۰ سال پیش تاکنون گرفته تا موافقت‌کنندهٔ آمریکا با فروش ۱۲۰ میلیارد دلار اسلحه در ماه دسامبر سال ۲۰۱۷ میلادی به عربستان که در قالب قراردادهای با اعراب است (منوری، ۱۳۹۶: ۲۳). لایهٔ دوم،

قرارداد جمعی و چندجانبه آمریکا با شرکای شورای همکاری خلیج فارس است. این قرارداد بین آمریکا و مجموعه یک پیمان امنیت جمعی است (سند امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۷: ۳۹). لایه سوم در شبکه امنیتی آمریکا در منطقه خلیج فارس که نسبتاً جدید و قابل توجه است، روابط شورا با ناتو است. ناتو عمده‌ترین نهاد امنیتی دنیاست و سخن از استقرار سپر دفاع موشکی آن در امارات نیز در میان است. البته شبکه‌های تودرتو و پرلایه امنیتی آمریکا در خلیج فارس با وجود نهادی شدن و جافتادگی با چالش‌هایی نیز روبه‌رو هستند که باید مدنظر قرار بگیرند (Muhittin, ۲۰۱۴: ۳۴). آنچه به نظر سیاست ثابتی در اسناد امنیت ملی آمریکا در دوران ترامپ و اوباما بوده، فروش سلاح به اعراب خلیج فارس، حضور نظامی در این کشورها و ایجاد شبکه امنیتی در منطقه خلیج فارس با اعراب علیه ایران است که اصول ثابت این اسناد بوده‌اند (سند امنیت ملی آمریکا، ۲۰۱۷: ۴۸).

پیامدهای رقابت تسلیحاتی در خلیج فارس

در پاسخ به این سؤال که درگیر شدن منطقه در یک مسابقه تسلیحاتی چه عواقب و پیامدهایی می‌تواند داشته باشد، موارد ذیل قابل طرح است:

۱. کاهش میزان همکاری‌ها که ناشی از حاکمیت جو بی‌اعتمادی در میان کشورها خواهد بود، همچون موردی که در زمان جنگ سرد در میان دو قدرت بزرگ آمریکا و شوروی شاهد بودیم، درخصوص منطقه خلیج فارس نیز می‌توان از مصادیقی همچون مشارکت ندادن ایران در شورای همکاری خلیج فارس و تلاش برای برقراری امنیت با تکیه بر قدرت فرمانطقه‌ای نام برد.
۲. تحلیل رفتن منابع مادی تک‌تک کشورها به سبب خریدهای غیرضروری تسلیحات و هزینه‌های سرسام‌آور نگهداری از این تسلیحات: با نگاه به آمارهای ارائه‌شده و همچنین مقایسه آنها با میزان تولید ناخالص خود این کشورها با دیگر کشورهای جهان و علاوه بر این، با تأکید بر این نکته که اکثر خریدهای سنگین این کشورها شامل ادواتی همچون جنگنده‌ها و بالگردها و موشک‌های پیشرفته‌ای است که نگهداری از آنها نیازمند تکنسین‌های زبده و سیستم‌های پیشرفته می‌باشد (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

۳. حاکمیت جو نظامی‌گری در منطقه که باعث جایگزین شدن راهکارهای نظامی به‌جای راهکارهای دیپلماتیک خواهد شد. درخصوص منطقه خلیج فارس نیز نظامیان انگلیسی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی و پس از آنها نظامیان آمریکایی در دهه ۹۰ میلادی جوی کاملاً نظامی - امنیتی را در منطقه خلق کرده‌اند (Mohseni, ۲۰۱۵: ۴۳).

۴. دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در امورات منطقه، آن‌هم به بهانه تأمین امنیت منابع موردنیاز خود (این ویژگی خاص منطقه خلیج فارس است) که آمریکا و انگلیس از این حیث تقدم جهانی در منطقه دارند. در منطقه‌ای همچون خلیج فارس منافع بسیاری از کشورهایی که وابسته انرژی این منطقه هستند، در ظاهر به خطر می‌افتد؛ بنابراین وقوع مسابقه تسلیحاتی نیز می‌تواند بهانه‌ای برای حضور قدرت‌ها باشد.

۵. تنش محور شدن منطقه که منجر به موضوعیت‌یابی تنش‌های جزئی و تبدیل شدن آنها به تنش‌های فراگیر خواهد شد، همانند مباحث مربوط به تنگه هرمز و

نظریات نخبگان در مورد آینده رفتار ایران و عربستان

در تحقیقی که در دانشکده جهان اسلام در سال ۹۷ با جامعه آماری ۷۵ نفر انجام شده و در این بین، تعداد ۲۳ درصد در حوزه اجرائی، ۷۷ درصد از پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل که ۸۵ درصد آنان دارای تحصیلات مرتبط با علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و ۱۵ درصد نیز جغرافیای حقوق بوده‌اند و ۵۴ درصد تحصیلات دکتری و ۳۷ درصد تحصیلات ارشد و بقیه کارشناسی داشته‌اند. در پاسخ به سؤالات درخصوص اهمیت روابط ایران و عربستان، ۸۷ درصد اخبار این حوزه را دنبال می‌کنند و از این مقدار ۶۲/۷ درصد، این روابط را دارای اهمیت زیادی دانسته‌اند. در پاسخ به سؤال علت اصلی اختلاف، بیش از ۷۵ درصد از پاسخگویان علت را تلاش دو کشور برای تبدیل شدن به قدرت اول در منطقه می‌دانند و در وهله دوم اختلافات ناشی از شیعه و سنی بودن و نوع ساختار حکومتی این دو کشور را منشأ اختلاف دانسته‌اند و درنهایت اختلافات عربی و عجمی را دلیل اختلاف دانسته‌اند.

افراد جامعه آماری در پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین تهدید عربستان علیه ایران را چه می‌دانید، ۷۴ درصد لابی عربستان در آمریکا را اولویت اول و دوم خود دانسته و ۶۷ درصد نیز افزایش بودجه نظامی عربستان را به‌عنوان عامل دوم تهدید ذکر نموده‌اند و در ادامه نیز نقش قدرت درآمد نفتی و ارتباط با رژیم اسرائیل و حمایت عربستان از اپوزیسیون داخلی (ایران) را عامل تهدید دانسته‌اند. در مقابل نیز توان موشکی ایران و نفوذ منطقه‌ای ایران و موضوع هسته‌ای ایران و عادی شدن روابط ایران و آمریکا را به‌عنوان عوامل تهدید ایران علیه عربستان ذکر نموده‌اند. در پاسخ به سؤال تمایل عربستان برای برقراری روابط با ایران، ۶۵/۴ درصد پاسخگویان به عدم تمایل عربستان برای برقراری روابط با ایران اشاره نموده‌اند. در مقابل، ۷۶ درصد ایران را دارای رقابت بیشتری برای عادی‌سازی روابط ذکر نموده‌اند و ۶۷ درصد به احتمال بهبود روابط ایران و عربستان نظر منفی داده و تنها ۵ درصد نظر مثبت در این مورد داشتند و بقیه نظر متوسط و کم داده‌اند (گزارش مرکز مطالعات جهان اسلام، ۱۳۹۷: ۱۰-۴).

با بررسی یافته‌های تحقیق فوق و مصاحبه با برخی از کارشناسان میز عربستان در دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) و دستگاه‌های مرتبط با این مرکز علمی که توسط محقق انجام شد و مطابق یافته‌های تحقیق در راستای بدتر شدن روابط ایران و عربستان، توان موشکی ایران و افزایش بودجه نظامی عربستان نقش بالایی در گسترش مشکلات این دو کشور داشته است و در کنار آن به‌عنوان عوامل بعدی، نوع ساختار سیاسی و اختلافات هویتی و مذهبی بین دو کشور و درنهایت روابط و نوع ارتباط عربستان با اسرائیل و آمریکا و احتمال عادی شدن روابط ایران با آمریکا بعد از برجام، در تشدید رقابت تسلیحاتی در بین کشورهای منطقه از جمله ایران و عربستان نقش اساسی داشته و عامل اساسی در تهدید روابط دو کشور بوده است.

نتیجه‌گیری

بعد از گذشت هشت دهه از تأسیس پادشاهی عربستان، با توجه به تغییرات در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، شاهد تغییراتی در راهبردهای امنیت ملی آل سعود بودیم. عربستان بعد از جنگ دوم جهانی از طریق اتحاد راهبردی با آمریکا امنیت منطقه‌ای خود را تأمین می‌کرد ولی بعد از حادثه یازده سپتامبر و با توجه به وضعیت عربستان و آمریکا و برنامه آمریکا برای کاهش حضور منطقه‌ای در خلیج فارس، عربستان نمی‌توانست به این وضعیت اکتفا نماید، از سویی در دوران ترامپ نیز مانند دوره ریاست جمهوری اوباما، عربستان به‌زعم خود، از تعهدات آمریکا نسبت به منطقه تردید دارد. از سوی دیگر، به‌علت پاسخ‌گویی به تغییرات در منطقه و تهدید منطقه‌ای احتمالی و تقویت موقعیت (ادعایی) عربستان به‌عنوان رهبر جهان عرب و حافظ ثبات در شبه‌جزیره عربستان، نیازمند تغییر در راهبردهای امنیتی و نظامی خود بود. در این راستا، استراتژی تقویت کمی نیروهای نظامی، گسترش حوزه نفوذ در تنگه هرمز و باب‌المندب و کانال سوئز و افزایش تجهیزات نظامی در سه حوزه هوا، زمین و دریا را به اجرا گذاشت. عربستان در حوزه گسترش سیاست نفوذ و افزایش فروش و تسهیل صدور نفت، نیازمند تنگه هرمز و باب‌المندب است، درحالی‌که به هیچ‌کدام از این دو تنگه تسلط حداکثری ندارد، لذا در آبراه هرمز از طریق ائتلاف نظامی با اعراب و در باب‌المندب با حمله نظامی در قالب ائتلاف با ۳۵ کشور برای تصرف یمن و تسلط بر باب‌المندب، اقدام نمود.

عربستان برابر برآورد وزارت دفاع آمریکا در راستای این سیاست، هزینه‌های نظامی خود را از ۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۶۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ میلادی افزایش داده است (Daniels, ۲۰۱۷: ۶۵). در خلال سفر ترامپ به عربستان در سال ۲۰۱۸ میلادی نیز قرارداد خرید حداقل ۱۲۰ میلیارد دلار تجهیزات نظامی به امضا رسید تا نیازهای عربستان در حوزه‌های هوایی، دریایی و به‌ویژه زمینی و گارد ساحلی برطرف شود. عربستان درحالی‌که در سال ۲۰۰۰ میلادی تعداد نیروهای مسلح‌اش حدود ۲۰۰ هزار نفر بود، در برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ پیش‌بینی شده که به تعداد ۳۲۵۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۵ میلادی و تا سال ۲۰۳۰ میلادی به بالای ۴۵۰ هزار نفر برسد (Clayton, ۲۰۱۷: ۱۲). علاوه بر این، عربستان ضمن تقویت ارتباطات نظامی با انگلیس و

سایر کشورهای اروپایی، تعدادی تجهیزات نظامی از اروپا خریداری نمود تا بدین ترتیب، تنوع در بازار نیز برای عدم وابستگی به یک منطقه را حفظ نماید. از سوی دیگر، خریدهای نظامی، به‌ویژه خرید موشک‌های با برد ۲۵۰۰ کیلومتر از چین، در این راستا می‌باشد (۳: ۲۰۱۷، Shapiro). از طرف دیگر، در سفر عادل الجبیر، وزیر خارجه وقت عربستان در سال ۲۰۱۷ میلادی به روسیه، درخواست خرید موشک اس ۴۰۰ و موشک اسکندر مدل m را به آن کشور ارائه داده است.

در همین راستا و به‌منظور تقویت بنیه نظامی خود، سیاست بومی‌سازی تجهیزات را در برنامه‌های نظامی خود قرار داده است، به‌طوری‌که در برنامه سال ۲۰۳۰ میلادی اعلام نمود، درحالی‌که اکنون حدود ۲ درصد از تجهیزات نظامی آن بومی است، در پایان سال ۲۰۳۰ این امر باید به بین ۳۰ تا ۵۰ درصد ارتقا یابد (سند ۲۰۳۰ عربستان، ۱۳۹۷: ۳۴)، لذا برنامه ساخت هواپیمای باری با اوکراین در سال ۲۰۱۳ میلادی، صنایع الکترونیک و سایبری با آمریکا برای سال ۲۰۱۸ میلادی و قرارداد با آفریقای جنوبی برای هواپیمای بی‌سرنشین برای سال ۲۰۱۹ میلادی و مونتاژ چرخ‌بال با شرکت لاکهید آمریکا، توسط عربستان پیگیری و در همه موارد منجر به امضای قرارداد شده است. همین‌طور، بودجه آموزش‌های نظامی را از ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ میلادی رسانده است. در کنار آن، رزمایش‌های سپر جزیره، صمصام و شمشیر عبدالله با کشورهای اروپایی، آمریکا، اعراب و پاکستان را می‌توان در این راستا ارزیابی نمود.

راهکارهای مقابله‌ای

اتخاذ این سیاست‌ها دارای تبعات متعددی بوده که به‌لحاظ داخلی می‌توان به افزایش هزینه‌های نظامی از یک‌سو و کاهش درآمدهای نفتی و تأثیر آن بر نارضایتی داخلی از سوی دیگر، اشاره نمود و در بُعد خارجی این سیاست‌ها منجر به تبعات متعدد امنیتی، اقتصادی و سیاسی مانند تشدید نظامی‌گری در خاورمیانه بین اعراب و رقبای منطقه‌ای مانند ایران شده است. در کنار آن، تبعات متعدد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و انسانی در تجاوز عربستان به یمن، سوریه و عراق از تبعات این سیاست است. راهکارهای اجرایی و راهبردی به شرح ذیل است:

۱. حوزه اقتصادی

افزایش همکاری اقتصادی ایران و اعراب در مسائل منطقه‌ای مانند نفت، ارتقای سطح همکاری‌ها در راستای حج و...، ایجاد ساختارهای منطقه‌ای برای حل و فصل اختلافات بدون دخالت بیگانگان، همکاری نظامی با کشورهای منطقه مانند آذربایجان، ترکیه، عراق و پاکستان، برقراری پیمان‌هایی در حوزه‌های مختلف با همسایگان به‌ویژه در حوزه امنیتی و نظامی، بازی‌سازی علیه عربستان و براساس مزیت‌های در اختیار ج.ا.ایران، تشدید نگاه و حساسیت‌های امنیت داخلی و منطقه‌ای ج.ا.ایران بر عربستان، تأکید و تلاش بر کاهش بحران به‌جای افزایش تقابل، درگیری و خصومت.

۲. حوزه سیاسی

مدیریت تنش‌های سیاسی فی‌مابین درزمینه‌های مختلف، ممانعت از ائتلاف و یارگیری سیاسی عربستان علیه ج.ا.ایران، عملیات روانی و جریان‌سازی درخصوص حمایت عربستان از جریان‌های تکفیری و تروریسم، تقویت دیپلماسی منطقه‌ای و یارگیری متحدان و کشورهای بی‌طرف عضو اتحادیه عرب و ممانعت از تبدیل اختلافات ایران و عربستان به مسائل شیعه - سنی.

منابع و مأخذ:

الف) منابع فارسی:

۱. احمدی، حمید (۱۳۹۵)، *عربستان سعودی و نظم مطلوب منطقه‌ای: چالش‌ها و استراتژی‌ها، مجموعه مقالات کنفرانس امنیتی غرب آسیا*، تهران: موسسه تحقیقات ابرار معاصر.
۲. اسمیت، لیتل، مایکل، ریچارد (۱۳۹۲)، *دیدگاه‌های در مورد سیاست جهانی*، تهران: انتشارات قومس.
۳. بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۹)، *دولت مردم و هراس*، ترجمه‌ی عسگر قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. بوزان، باری، ویور، اولی (۱۳۸۸)، *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه‌ی رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. بی‌نام (۱۳۹۷)، *روابط بین ایران و عربستان* گزارش شماره ۱۵ مرکز موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.
۶. بی‌نام (۱۳۹۷)، *کتاب استراتژیک عربستان*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۷. پورآخوندی، نادر (۱۳۹۷)، *تحول در راهبرد نظامی عربستان*، اصفهان: فصلنامه تحقیقات دانشگاه آزاد شهرضا،
۸. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۵)، *الگوی نظم منطقه‌ای در آسیای غربی*، مجموعه مقالات کنفرانس امنیتی غرب آسیا، تهران: موسسه تحقیقات ابرار معاصر.
۹. جهان‌آراء، علی (۱۳۹۷)، *مطالعه راهبردهای امنیتی عربستان در خلیج فارس*، تهران: مجله پژوهش‌های ملل و روابط بین‌الملل.
۱۰. صادقی‌اول، نقدی‌عشرت‌آبادی، جعفر، هادی (۱۳۹۷)، *تحلیل روابط ایران و عربستان از منظر واقع‌گرایی انگیزشی* فصلنامه تحقیقات سیاست بین‌الملل اصفهان، شهر رضا.

۱۱. طاهری، صادقی‌بکیانی؛ امین، ابراهیم (۱۳۹۴)، *تأثیر الگوی ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت خلیج فارس (مطالعه موردی: مجموعه امنیت منطقه‌ای خلیج فارس)*، مجله سیاست دفاعی شماره بیست و چهارم.
۱۲. عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۹)، *نظریه‌های امنیت: مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
۱۳. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، *موانع شکل‌گیری رژیم امنیتی منطقه‌ای کنترل تسلیحات: مطالعه موردی خاورمیانه*، فصلنامه روابط خارجی سال سوم، شماره سوم.
۱۴. قزلباش، جواد (۱۳۹۷)، *سند ۲۰۳۰ عربستان*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۵. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵)، *جعبه سیاه روابط عربستان و آمریکا و آینده نظم امنیتی منطقه خلیج فارس*، مجموعه مقالات کنفرانس امنیتی غرب آسیا، تهران: موسسه تحقیقات ابرار معاصر.
۱۶. کار گروهی (۱۳۹۶)، *سند امنیت ملی آمریکا*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۷. لیتل، ریچارد (۱۳۹۴)، *رژیم‌های بین‌المللی در جان بلیس و استیو اسمیت، جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
۱۸. متقی، ابراهیم (۱۳۹۶)، *راهبردهای عربستان در خلیج فارس*، همایش امنیتی غرب آسیا، تهران: موسسه مطالعات ابرار معاصر.
۱۹. منوری، سیدعلی (۱۳۹۶)، *بازسازی ائتلاف‌های ب آمریکا در حوزه عربی*، فصلنامه سیاست‌های جهانی سال دوم، دوره ششم.
۲۰. موسوی، سید حسین (۱۳۹۴)، *الگوی امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس، تجربه‌ها و موانع*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دهم، شماره چهاردهم.
۲۱. نادری‌نسب، علی (۱۳۹۶)، *روابط امنیتی آمریکا با عربستان در راستای نظامی‌گری*، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم.
۲۲. واعظی، محمود (۱۳۹۴)، *نقش قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس و چالش هژمونی آمریکا*، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ششم.

ب) منابع لاتین:

۱. Andrew Rathmell, Theodore Karasik, and David Gompert: A New Persian Gulf Security System Gulf Security: Between Balance of Power and Collective Security the EU-GCC Partnership-Security and Policy Berlin, March ۱۶-۱۷, ۲۰۱۰, Challenges.
۲. Bar.shmuel.Friends of Israel Initiative.Iran and the Middle East after the Nuclear Agreement.May ۲۰۱۵.
۳. Cordesman ,Anthony ,(۲۰۱۰).Saudi military forces and development: challenges & reforms .center for strategic and international studies.
۴. Cordesman ,Anthony ,(۲۰۱۶), The Changing Gulf Balance and The Iranian Threat, Center for Strategic&International Studies.
۵. Daniels ,Geff ,(۲۰۱۷) ,Russia tries to elbow its way into Saudi Arabia arms club ,available : www.cnbc.com.
۶. Harrison .Ross Defying Gravity: Working Toward a Regional Strategy .for a Stable Middle EastMiddle East Institute ۲۰۱۵.
۷. Jervis .Robert ,(۱۹۷۸) ,cooperation under security dilemma , word policey:vol ۱ ,۳۰ .no ۲.
۸. Muhittin, Ataman (۲۰۱۲). Turkish Saudi Arabian Relations, during the Arab uprisings: Towards a trategic Partnership? Academic journal article from insightturkey. Vol. ۱۴. No. ۴.
۹. Mohseni, Payam (۲۰۱۵),, Iran and the Arab World after the Nuclear Deal.Rivalry and Engagement in a New Era.
- ۱۰.Shapiro ,Gacip. (۲۰۱۷) ,Saudi Arabia ,Russia:delivering missiles.deliveringpromisesifcooperation.available: www.geopoliticalfutures .com.

۱۱. Thomas
trendandanaly
sgp.mideastne